

## اظهار نظر درباره علل و پیشگویی نتایج انقلاب ایران، اندکی پس از پیروزی

۳۰ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۲۳

در چند روز پس از پیروزی انقلاب، رسانه های اروپا و آمریکا پُر از اظهار نظر درباره علل آن و پیشگویی نتایج اش بود. هنری کیسینجر بی تصمیمی جیمی کارتر را عامل سقوط شاه بیان کرده و گفته بود که این بی تصمیمی کارتر، شاه را از مقابله با مخالفان باز داشته بود. سیاست بی موقع حقوق بشری کارتر شاه را سر در گم کرده بود.

در چند روز پس از پیروزی انقلاب، رسانه های اروپا و آمریکا پُر از اظهار نظر درباره علل آن و پیشگویی نتایج اش بود. هنری کیسینجر بی تصمیمی جیمی کارتر را عامل سقوط شاه بیان کرده و گفته بود که این بی تصمیمی کارتر، شاه را از مقابله با مخالفان باز داشته بود. سیاست بی موقع حقوق بشری کارتر شاه را سر در گم کرده بود. کارتر گمان می کند [می کرد] که انقلاب ایران ملی گرایان لیبرال - دمکرات (مصدقی ها) را بر سر کار خواهد آورد. شاه می توانست با دادن «امتیازهای به موقع» از جمله برگزار کردن انتخابات واقعی (طبق اصول دمکراسی)، از تبدیل تظاهرات به عصیان و انقلاب جلوگیری کند. شاه باید می دانست وقتی که انقلاب در حال پیشرفت باشد نمی توان از آن جلوگیری کرد، زیرا که کنترل آن از دست رهبران و گردانندگان انقلاب خارج و به دست افراد در صحنه می افتد و به همین سبب - در طول تاریخ بشر - هیچ انقلابی به نتایج مورد نظر متفکران و بانیان آن دست نیافته است.

پراودا روزنامه حاکمیت شوروی در مقاله ای از مهدی بازرگان خواسته بود که با حزب توده ائتلاف، و وزیرانی از این حزب را وارد کابینه اش کند و هشدار داده بود که اگر این ائتلاف صورت نگیرد، مذهبیبون با حمایت لندن و سکوت واشنگتن قدرت را از او خواهند گرفت و ایران بازگشتی به دوران صفویه و سخت تر از آن خواهد داشت.

چند تفسیرنگار و سیاستمدار عرب نگرانی خود را از مذهبی شدن مطلق نظام حکومتی ایران و حمایت بعدی این دولت از شیعیان در سراسر جهان و نیز صدور انقلاب مذهبی ابراز کرده و گفته بودند که در چنین وضعیتی، مسائل تازه ای در جهان اسلام پدید خواهد آمد. اکثریت عراق، یمن شمالی، جمهوری آذربایجان، بحرین و جامعه مسلمانان لبنان شیعه هستند، حکومت سوریه در دست علویان (شیعیان) است، در کشور سعودی، افغانستان، پاکستان و ... اقلیت قابل ملاحظه شیعه وجود دارد و نیز یک اقلیت علوی در ترکیه. [به نظر می رسد که این پیشگویی تحقق یافته باشد].

گاردین نوشته بود که شاپور بختیار درها را باز گذارد و انقلاب پیروز شد، او یا روانشناسی ایرانی را نمی شناخت و یا از جانب

جبهه ملی ماموریت داشت و با انتصاب مهدی بازرگان به نخست وزیری اطمینان یافته بود که هدف او که برقراری یک دموکراسی لیبرال است تامین می شود.

سپهبد اویسی فرماندار نظامی تهران (از نیمه شهریور ۱۳۵۷ تا آبان آن سال که بعداً و در طول اقامت در پاریس ترور شد) گفته بود که او می توانست ایران را ظرف چند روز آرام کند ولی شاه پس از رویداد ۱۷ شهریور [واقعه میدان ژاله] و اعتراض جیمی کارتر به تیراندازی به تظاهرکنندگان، او را از اعمال خشونت منع کرد.

چند مورخ اروپایی در پاسخ به پرسش رسانه ها گفته بودند که اگر ژنرال قره باغی و به تبعیت از او ۲۲ افسر ارشد دیگر اعلام بی طرفی نکرده بودند، به رغم هواداری برخی از واحدهای ارتش از انقلابیون، انقلاب به آن سرعت پیروز نمی شد و تلفات و ویرانی سنگین بود. [بعدا قره باغی در دو کتابی که به نام او تالیف شده است، اعلامیه خود مبنی بر بی طرفی ارتش را موثر در پیروزی انقلاب قلمداد کرد.]. یکی از این مورخان گفته بود که در آگوست ۱۹۴۱ (شهریورماه ۱۳۲۰) یک ژنرال (احمد نخجوان) ارتش را مرخص کرد و باعث کناره گیری و تبعید رضاشاه شد و در فوریه ۱۹۷۹ نیز یک ژنرال دیگر (قره باغی) ارتش را بی طرف ساخت و موجب برکناری محمدرضاشاه شد و هر دو این ژنرال، تبار و نام خانوادگی قفقازی داشتند. این، یعنی فلسفه تاریخ که در مورد ایران بکرات مشاهده شده است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۶۷۳/ظهار-درباره-نظر-اظهار>